

## مقدمه

«خودشناسی بالاترین و سودمندترین معرفت هاست.»<sup>(۱)</sup>

انسانی که خود را شناخته باشد، برای رسیدن به کمال از هیچ تلاش و کوششی فروگذار نمی‌کند و با توکل به خدا، بر اندیشه و خرد انسانی که پروردگارش به او هدیه کرده است، تکیه می‌کند و هر آن‌چه از ملامت و ناملامت است، به خدمت می‌گیرد تا به هدف و مقصود خود دست یابد. او هیچ مانع و سدی بر سر راه نمی‌بیند و مشکلی را نمی‌شناسد که در مقابل اراده‌ی پولادین انسان تاب مقاومت و ایستادگی داشته باشد. چنین فردی می‌داند که غفلت، جهالت و تنبلی، جز با تیغ برنده‌ی حرکت، جوشش و کوشش ناپود نمی‌شود و دست‌یابی به کمال، علو همت و تلاش برای رسیدن به مقاصد عالی را می‌طلبد و چنین امری فقط در میدان مصاف ایمان و عدل با سستی و غفلت به نتیجه می‌رسد. به همین دلیل است که آموزه‌های حیات‌بخش معصومین (علیهم‌السلام)، انسان مؤمن را از ذلت و خواری، ضعف نفس و کم‌همتی به شدت برحذر می‌دارند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «خدای عزّ و جل مؤمن را در هر کاری اختیار داد، ولی به او اختیار نداد که خویشتن را ذلیل و بی‌مقدار کند. آیا نشنیده‌ای که خدای تعالی می‌فرماید: عزت برای خدا و پیامبرش و مؤمنین است [منافقون/۸]. این است که مؤمن عزیز است و ذلیل نخواهد

## چکیده

خودشناسی، مسئولیت‌پذیری و احساس بزرگی و عزت نفس از آثار تربیتی مثبتی است که پدران و مادران صالح و تلاشگر، در فرزندانشان و مربیان دلسوز و سخت‌کوش، در متربیان خود به یادگار می‌گذارند. جامعه‌ای که نسل جوانش خود را شناخته باشد، با احساس مسئولیت، امید و آینده‌نگری در راه رسیدن به مقصدی والا می‌کوشد و در این راه رنج‌ها را به جان می‌خورد و تا دست یافتن به قله‌های رفیع انسانیت سخت می‌تازد. تنبلی، کم‌همتی، بی‌مسئولیتی و خودپسندی، آفات بزرگ انسانیت‌اند و محصول تربیت و تفکر غلطی هستند که کار شرافتمندانه و پر زحمت را ارج نمی‌نهد و رسیدن به موقعیت‌های اجتماعی و ثروت‌های بادآورده را موفقیت می‌داند. در حالی که تجربه نشان داده است، افراد خلاق و موفق در ناز و نعمت رشد نیافته‌اند و برای دست‌یابی به اهداف و مقاصد عالی، از خور و خواب گذشته‌اند و با مشکلات دست و پنجه نرم کرده‌اند؛ چرا که: نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

## خطر بسیار جدی و نزدیک است!

مریم خطیبی: دبیرپیش دانشگاهی شهید صدیقه رودباری منطقه ۴

### نقش تربیت در مسئولیت‌پذیری جوانان

بود» [الحیاه: ۴۶۷، به نقل از: مشکاه‌الانوار: ۵۰]. حضرت علی (ع) نیز در نامه‌ی خویش به فرزند جوانش امام حسن مجتبی (ع) می‌نویسد: «فرزند عزیز، از هر پستی و ذلتی پرهیز نما، اگر چه تن دادن به سستی، راه نیل به تمنیات باشد. زیرا آن‌چه که در این معامله عایدت می‌شود، هرگز با سرمایه‌ی گران قدر عزت و شرف برابر نمی‌کند. بنده‌ی دیگری مباش که خدا تو را آزاده آفریده» [نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۲۱]. حُسن عاقبت کار و تلاش و ایمان و اخلاص مؤمن، خود بهترین گواه ارزشمندی این امور است. نمونه‌ی بارز آن، تصمیم و اراده‌ی محکم مردی است که از گوشه‌ی حجره‌ی کوچک، برای رسیدن به آن‌چه می‌خواست، حرکت کرده بود<sup>(۲)</sup> و این همان چیزی است که ما امروز در تربیت فرزندانمان باید به آن توجه ویژه داشته باشیم.

### عزت و کرامت نفس

«تفکر در وجود خویشتن خویش و شناسایی باطن و ضمیر انسانی خود، اهمیت دادن به صلاح و مصلحت نفس است.»<sup>(۳)</sup> از مهم‌ترین نتایج خودشناسی، وسعت نگاه به جهان خلقت و توجه به عالم شگرف وجود انسان و در نتیجه رسیدن به احساس عزت و بزرگی نفس است. اگر انسان به این ارزش عالی دست یابد، هرگز خود را به امور بی‌ارزش و پست مشغول نمی‌کند و همواره به قله‌های رفیع علم و اخلاق

کلیدواژه‌ها: مسئولیت‌پذیری، خودشناسی، عزت نفس، مال حرام، تعلیم و تربیت، جوانان.





می‌نگرد و بر آن اهتمام می‌ورزد. بنابراین به طمع منافع کم ارزش دنیوی، به گناه و اعمال دون شأن خود تن در نمی‌دهد.<sup>۴</sup>

بی‌توجهی به خودشناسی و اهمیت نقش سعی و تلاش در رسیدن به مراتب و درجات عالی، خطری است که جامعه‌ی جوان ما را به شدت تهدید می‌کند. کم‌کاری، سردرگمی و قصور در سعی و تلاش، یکی از مشکلات امروز جامعه‌ی ماست. فکر دستیابی به ثروت و امکانات مادی، حتی بیش از نیاز معمولی یک انسان، آن هم بدون کار و زحمت، ایده‌آل و مطلوب بسیاری از جوانان و حتی میان‌سالان است. این دیدگاه و تصور غلط، بخش اصلی وقت و زندگی مردم را به خود اختصاص داده است. دستاورد چنین تخیلی، بیماری‌های روحی و روانی، جرم و جنایت، ناامیدی، ازهم‌گسیختگی کانون خانواده و نابودی آسایش در زندگی است. این بیماری اجتماعی که به درمانی جدی نیاز دارد، حیل و تزییر، کلاهبرداری و دروغ و خیانت را امری عادی و مناسب شرایط معرفی می‌کند و کار و تولید، و سعی مبتنی بر ایمان و علم را ارج نمی‌نهد.

جوان و نوجوان ما که می‌بیند متأسفانه رابطه‌ای منطقی بین کار و تلاش انسان‌ها و رسیدن آن‌ها به موقعیت‌های دنیوی و ثروت و رفاه مادی برقرار نیست، به چنین نتیجه‌ی نادرستی می‌رسد که برخلاف آن چه تاکنون به او گفته‌اند، در عمل، هر چه که بیشتر زحمت می‌کشد و صداقت می‌ورزد، کمتر نتیجه می‌گیرد. او با ناباوری مشاهده می‌کند، عده‌ای در رسیدن به امکانات مادی یک شبه ره صدساله را طی می‌کنند. این جاست که دچار تناقض در گفتار و رفتار می‌شود و از این مرحله به بعد، سستی و تنبلی، بی‌مسئولیتی، کم‌کاری و استفاده از استعداد و خلاقیت در جهت منفی، جای خود را با کار و فعالیت و تلاش عوض می‌کند.<sup>۵</sup>

بنابراین، ضعف نفس و خود کم‌بینی، و پناه بردن به مخدرهای گوناگون، کمترین نتیجه‌ای است که عاید نسل جوان می‌شود؛ جوانانی که باید توانمندی، هوش و ذکاوت، کوشش برای تولید علم و همت آن‌ها، کشور و مردمی را الگوی عزت و سر بلندی در جهان سازد.

### خطر جدی است! چه باید کرد؟

راستی چه باید کرد؟ آیا این بیماری مسری که روز به روز دامنه‌ی آن گسترده‌تر می‌شود و افراد بیشتری را مبتلا می‌کند و می‌رود تا کیان جامعه‌ی اسلامی ما را متزلزل سازد، به پزشک حاذق و داروی مؤثر نیاز ندارد تا آن را درمان کند؟ آیا فکر نمی‌کنید اگر دلسوزان جامعه باز هم بنشینند و فکری نکنند، این بیماری خانمان سوز، کیان و بنیان خانواده را در هم می‌پیچد و می‌رسد به جایی که اثری از کانون خانواده باقی نماند؟ آیا نباید این بیماری اجتماعی را شناسایی و ریشه کن کرد؟ در حال حاضر به شدت نیازمند مردان و زنانی هستیم که دلسوزانه و خالصانه، به دور از مسائل سیاسی و اقتصادی و منافع فردی و گروهی، برای نجات مردم و کشور فکر و تلاش کنند. خطر بسیار جدی و نزدیک است! نزدیک‌تر از آن چه می‌توان تصور کرد. حیات انسانی و اخلاقی در خطر است و شاید فردا دیر باشد. باید با شناخت و آگاهی، همت و تلاش، هم‌فکری و همکاری بکوشیم، ریشه‌ها را بخشکانیم و بستر توبه‌ی اجتماعی را فراهم آوریم تا با اصلاح

اجتماعی، جامعه احیا شود و حیات مجدد خود را با نیرو و قوت از سر بگیرد. این خطاب قرآن است به مؤمنین که می‌فرماید: «سستی نکنید و اندوهگین مباشید که اگر مؤمن باشید، برتری با شماست» [آل عمران / ۱۳۹].

و این کلام قرآن ناطق است که از فراز قرون و اعصار به گوش می‌رسد: «هر که تسلیم سستی و سهل‌انگاری شود، حق خود و دیگران را تباه می‌سازد» [نهج البلاغه: ۱۱۹۳].

«عقل بازیگوش، راه را گم می‌کند و سخت‌کوش جدی به آن می‌رسد» [الحیاه: ۳۶۶ و غرر الحکم: ۲۵۴].

عواملی که در به وجود آمدن چنین نتایج اسفباری دخالت داشته‌اند، دو دسته‌اند:

### الف) عوامل فردی یا درونی

- غفلت از اثرات سوء تربیتی لقمه‌ی حرام؛
- نبود تربیت مناسب و بی‌توجهی خانواده‌ها به روش صحیح تعلیم و تربیت مثل ناز پروردگی فرزندان که نتایجی چون ضعف نفس، تزلزل شخصیت، عدم اعتماد به نفس، کم‌همتی و تنبلی، خودپسندی، سستی و سهل‌انگاری، ناتوانی در مواجهه با مشکلات زندگی و خودباختگی را به بار می‌آورد.

### ب) عوامل بیرونی و اجتماعی

- اجرا نشدن عدالت اجتماعی در سطح جامعه؛
- به کار نبستن تدابیر مناسب در حل مشکلات اجتماعی؛
- ارائه ندادن الگوهای مناسب به جامعه؛
- طلب‌کاری و وام‌خواهی افراد از جامعه؛
- بها دادن به درآمد ناشی از کار بدون زحمت و نامشروع و ترجیح دادن آن به درآمد کار پرمشقت و مشروع؛
- مغبون دانستن افراد زحمت‌کش جامعه و ارزشمند، از جمله معلمان، توسط خود آن‌ها و دیگران.

بدون شک بررسی این عوامل بدون راهنمایی خورشید فروزان قرآن که کتاب شفا [یونس / ۵۷؛ اسراء / ۸۲ و فصلت / ۴۴]، رحمت [اسراء / ۸۲]، هدایت [بقره / ۲؛ مائده / ۱۶]، تیبان [نحل / ۸۹] و... است و سخنان گهربار معصومین، (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) [احزاب / ۳۳] که قرآن ناطق‌اند و هم‌چون ماه پرفروغ در آسمان هستی می‌درخشند، ممکن نیست. در این مقاله می‌کوشیم عوامل فردی یا درونی یاد شده از دیدگاه قرآن را بررسی کنیم.

### ۱. اثرات سوء تربیتی لقمه‌ی حرام

تجربه نشان داده است، آن چه در اثر کار و تلاش و زحمت به دست نیاید، باقی ماندنی نیست و نتیجه‌ای جز خسران دنیا و آخرت را به دنبال ندارد. سخنان گهربار حضرات معصومین هم به این مطلب اشاره دارد: «ای مردم از خدا بترسید! چه بسا آرزومندی که به آرزوی خود نرسید و سازنده‌ی ساختمانی که در آن مسکن نکرد و گردآورنده‌ای که زود آن چه را گردآورده است، رها خواهد کرد. شاید از

تنبلی، کم‌همتی، بی‌مسئولیتی و خودپسندی، آفات بزرگ انسانیت‌اند و حاصل تربیت و تفکر غلطی هستند که کار شرافتمندانه و پر زحمت را ارج نمی‌نهد و رسیدن به موقعیت‌های اجتماعی و ثروت‌های بادآورده را موقفیت می‌داند

راه باطل گردآورده و یا حق دیگران را بازداشته و با حرام به هم آمیخته که گناهِش بر گردن اوست و با سنگینی بار گناه در می‌گذرد و با پشیمانی و حسرت نزد خدا می‌رود. «در دنیا و آخرت زیان کرد و این است زیان آشکار» [حج/ ۱۱]. ۶.

باید توجه داشت، حتی آنان که فقط به دنیا می‌اندیشند، قطعاً به دنبال دارایی و اموالی هستند که دوام داشته و برای آن‌ها مفید و همیشگی باشند. در حالی که درآمدی که از راه نامشروع تحصیل شود، چون مانع دست‌یابی انسان به کمالات می‌شود، برکتی ندارد و انسان را دچار زوال نعمت در زندگی می‌کند و چه بسا نعمت را به نعمت تبدیل می‌سازد امام علی (ع) می‌فرماید: «بسا لقمه‌ای گلوگیر که از لقمه‌های فراوانی محروم می‌کند» [نهج البلاغه، حکمت ۱۷۱].

### آثار مال حرام از دیدگاه آیات و روایات

بر اساس آیات و روایات، آثار مال حرام عبارت‌اند از:

- مانع شدن از وصول به سعادت؛
- محروم ماندن از فیوضات الهی؛
- پدید آمدن سدی بر سر راه توفیق الهی؛
- ایجاد حجاب برای بندگان در وصول به درجه‌ی ابرار؛
- مانع شدن از اتصال به عالم انوار؛
- فراموشی عهد پروردگار.

مرحوم **ملاحمد نراقی** در کتاب «معراج السعاده» می‌نویسد: «دلی که از لقمه‌ی حرام روییده باشد کجا و قابلیت انوار عالم قدس کجا؟ و نطفه‌ای که از مال مردم به هم رسیده باشد، با مرتبه‌ی انس با پروردگار چه کار؟ از پیامبر (ص) مروی است که در بیت المقدس، فرشته‌ای هست که هر شب ندا می‌کند: هر که بخورد چیزی که حرام باشد، خدا از او قبول نمی‌فرماید، نه واجبی را، و نیز از آن سرور مروی است که هر که باک نداشته باشد از این که هر جا مال را تحصیل کند، خدا هم باک ندارد که از هر دری از جهنم او را وارد کند و فرمود هر گوستی که از حرام روییده باشد، آتش سزاوارتر است به آن» [معراج السعاده: ۳۱۳].

قرآن از خوردن مال یتیم به فرو خوردن آتش در شکم تعبیر کرده است. چون اکل مال حرام (مال ربوی، مال یتیم و آن‌چه از طریق کلاهبرداری، رشوه، اختلاس، احتکار و... به دست آید)، اثرات زیان‌باری چون انواع بیماری‌های جسمی و روحی، عدم سلامت اخلاقی اجتماع، افزایش فساد و فحشا و بی‌بند و باری، ظلم و بی‌عدالتی، بی‌ایمانی و بی‌تقوایی و... دارد.

مقام معظم رهبری: وقتی پول حرام در میان مردم و نخبگان و مسئولان رایج شد، فساد اخلاقی نیز جامعه را در بر می‌گیرد و کشور عملاً به پایگاه دشمن تبدیل می‌شود.<sup>۹</sup>

نمونه‌هایی از آیات قرآن در این مورد عبارت‌اند از:

- «یا ایها الذین امنوا لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم...» [نساء/ ۲۹]: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مال یکدیگر را به ناحق نخورید، مگر آن‌که تجارتی از روی رضا و رغبت انجام داده باشید (سودی ببرید) و یکدیگر را نکشید. البته خدا با شما بسیار مهربان است.

■ «يا ايها الذين امنوا لا تاكلوا الربا اضعافاً مضاعفةً و اتقوا الله لعلمكم تفلحون» [آل عمران / ۱۳۰]: ای اهل ایمان! ربا مخورید که دائم سود بر سرمایه بیفزایید تا چند برابر شود. از خدا بترسید شاید که رستگار شوید.



باید با شناخت و آگاهی، همت و تلاش، هم‌فکری و همکاری بکوشیم؛ ریشه‌ها را بخشکانیم و بستر توبه‌ی اجتماعی را فراهم آوریم تا با اصلاح اجتماعی، جامعه احیا شود و حیات مجدد خود را با نیرو و قوت از سر بگیرد

مقام معظم رهبری: وقتی پول حرام در میان مردم و نخندگان و مسئولان رایج شد، فساد اخلاقی نیز جامعه را در بر می‌گیرد و کشور عملاً به پایگاه دشمن تبدیل می‌شود

■ «ان الذين ياكلون اموال اليتامى ظلماً انما ياكلون في بطونهم ناراً و سيصلون سعيراً» [نساء / ۱۰]: آنان که اموال یتیمان را به زور و ستم می‌خورند، در حقیقت آتش جهنم را در شکم خود فرو می‌برند و به زودی در آتش فروزان دوزخ خواهند افتاد.

■ «و لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل و تدلوا بها الی الحکام لتاکلوا فریقاً من اموال الناس بالاثم و انتم تعلمون» [بقره / ۱۸۸]: مال یکدیگر را به باطل مخورید و کار را به محاکمه و قضاوت نیفکنید که به وسیله‌ی رشوه و زور پاره‌ای از مال مردم را بخورید، با این که شما بطلان دعوی خود را می‌دانید.

مالی که در نتیجه‌ی زحمت و کار شخص به دست نیامده و به ناحق به دست او رسیده باشد، دسترنج کار و تلاش دیگران و مال حرامی است که از طریق ربا، رشوه، اختلاس، حیله و تزویر به دست آمده است. چنین مالی از یک سو انسان را از بهره‌بری کامل از نعمت عقل و سایر نعمت‌های روحی و حکمت، معرفت و معنویت محروم می‌سازد و از سوی دیگر، سبب محروم کردن دیگران از حق خود و نعمت‌های الهی می‌شود که از اولین نتایج آن، پرورش فرزندان ناسالم در محیطی است که بویی از صداقت، انسانیت و محبت نسبت به هم‌نوعان از آن استشمام نمی‌شود. فاسد اخلاقی، بی‌حرمتی به والدین و انسان‌های دیگر، دروغ و تزویر، کلاهبرداری و رعایت نکردن حقوق دیگران، طمع به مال مردم و حرص جمع‌آوری مال دنیا، کمترین آثار چنین تربیت نادرستی است و آیا جز این باید انتظار داشت؟ آیا انتظار می‌رود افرادی که در چنین محیطی رشد می‌یابند، از ضعف نفس و دون‌همتی، تنبلی و بی‌مسئولیتی دوری کنند و اعتماد به نفس، مسئولیت‌شناسی، احساس عزت و سربلندی داشته باشند؟

### آثار مال حلال از دیدگاه آیات و روایات

بر اساس آموزه‌های دینی ما که از طریق وحی الهی و یا سخنان پیامبر اعظم و معصومین (علیهم‌السلام) به ما رسیده‌اند، درآمدی حلال و سازنده‌ی شخصیت انسان است که در نتیجه‌ی کار و تلاش و به کار بردن فکر و تدبیر صحیح به دست آمده و در جهت سودرسانی و خدمت به خانواده و جامعه بوده باشد. قرآن کریم به این موضوع

چنین اشاره می‌کند:

■ «و ان لیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری» [نجم / ۳۹-۴۰]: هیچ انسانی چیزی را به ملکیت واقعی مالک نیست تا اثر آن ملکیت که یا خیر است یا شر، یا نفع است یا ضرر، عایدش شود، مگر آن عملی را که انجام داده و جد و جهدی که کرده است (تنها آن را داراست و اما آن چه دیگران کرده‌اند، خیر و شرش عاید انسان نمی‌شود).

■ «ثم یجزاه الجزاء الاوفی» [نجم / ۴۱]: سپس به عملش جزای کامل داده می‌شود.

■ «یوم یتذکر الانسان ما سعی» [نازعات / ۳۵]: روزی که آدمی هر چه کرده است، به یاد آورد.

قرآن از مال حلال تعبیر به «طبیات» می‌فرماید ۱۰ و رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «هر که ۴۰ روز حلال بخورد، خدای تعالی دل او را روشن می‌کند و چشمه‌های حکمت را از دل او بر زبانش جاری می‌سازد. هم‌چنین، هر که داخل شب شود، در حالی که خسته باشد به جهت طلب حلال، آمرزیده داخل شب شده است. عبادت ۷۰ جزء دارد که افضل همه‌ی اجزاء، طلب حلال است و هر که از دست‌رنج خود بخورد، خدا درهای بهشت را روی او می‌گشاید تا از هر دری که خواهد وارد شود. هر که از رنج دست خود بخورد، روز قیامت در شمار پیغمبران خواهد بود و اجر پیغمبران خواهد گرفت. روزی حضرت رسول (ص) مردی تنومند را دید که با زور بازویش هنرنمایی می‌کرد، پرسیدند: آیا کسی دارد؟ گفتند: نه، فرمود از چشم من افتاد. عرض کردند: به چه سبب؟ فرمود: «چون مؤمن را کسبی نباشد، به دین خود مدارا و معاش می‌کند» [معراج‌السعاده: ۳۸].

این عمرو شیبانی می‌گوید: «امام صادق (ع) را دیدم که بیلی در دست و جامه‌ی خشنی در بر داشت و در محوطه‌ی شخصی خود کار می‌کرد و عرق از پشتش می‌ریخت. عرض کردم: بیل را به من بدهید تا کار شما را انجام دهم. حضرت فرمود: دوست دارم که مرد در راه به دست آوردن معاش، آزار و حرارت آفتاب را ببیند و رنج آن را تحمل کند» [اصول کافی، ج ۵: ۷].

### تنبلی و سستی دشمن کار و نشاط

پیامبر (ص) می‌فرماید: «یا علی! از دو خصلت بپرهیز: تنگ حوصلگی و تنبلی که چون تنگ حوصله شوی هیچ حقی را نمی‌پذیری و چون تنبل باشی، حق هیچ چیز را ادا نمی‌کنی» [الحیاه: ۳۶۲]. و امام صادق (ع) می‌فرماید: «تنبلی و سستی دشمن کار است» [الحیاه، نقل از: اصول کافی، ج ۵: ۸۵].

و هم‌چنین فرموده است: «از جمله (سپاهیان عقل و نیروهای خود) نشاط و پرکاری است که ضد آن تنبلی است [الحیاه، به نقل از اصول کافی، ج ۱: ۲۳].

و از همان امام همام مروی است: «سه چیز آدمی را از خواستار شدن اسباب سربلندی باز می‌دارد: کم‌همتی، ناپختگی و سست‌رایی» [الحیاه: ۳۶۴، به نقل از تحف‌العقول: ۲۳۴].

### ارزشمندی سعی و کوشش و قناعت

فرزندان ما باید در جامعه مشاهده کنند که نفس سعی و کوشش در جهت مثبت، ارزشمند است و آثار سعی و تلاش افراد را در کسب نتایج عالی ببینند و از آن احساس لذت کنند. امام موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: «از مردم قطع امید کردن و از ثروتشان چشم پوشیدن و به درآمد کار خود قانع‌بودن، برای مرد با ایمان، مایه‌ی عز دینی، روح جوان‌مردی و شرف دنیوی است. چنین انسانی در نظر مردم بزرگ و بین فامیل خود محترم و در محیط خانواده‌اش دارای هیبت و عظمت خواهد بود. او در ضمیر خود و در نظر دیگران بی‌نیازترین مردم است» [سفینه‌البحار، ج ۱: ۳۲۷].

## نتیجه‌ی صداقت و انسان دوستی

دوستی و صداقت، قانع بودن به حق خویش، رسیدگی به حال محرومان و رعایت حقوق مردمان، نه تنها بلاها را رفع می‌کند، بلکه سبب فراهم آوردن بستری مناسب برای تربیت نسلی پاک و سالم و با ایمان خواهد شد. از طرف دیگر، اگر گروهی از افراد جامعه با حيله و نیرنگ حق عده‌ای را نخورند که قدرت دفاع از خود را ندارند و مظلوم واقع شده‌اند، بسیاری از مشکلات اجتماعی که آثار آن فرزندان ما را تهدید می‌کند، هم‌چون فقر و تنگدستی، ظلم و بی‌عدالتی، و فساد و فحشا از جامعه رخت بر خواهد بست و منافع آن شامل حال اجتماع خواهد شد.

چه زیباست فرمایش مولای متقیان که می‌فرماید: «برای دنیا خویشتن دار و برای آخرت دلباخته باش. آن کس را که تقوا بلند مرتبت کرد، خوار نشمارید و آن را که دنیا عزیزش کرد، گرامی ندارید. برق درخشنده‌ی دنیا شما را خیره نرکند... همانا برق دنیای حرام بی‌فروغ است و سخنش دروغ و اموالش به غارت رفتنی و کالای آن تاراج‌شدنی است. آگاه باشید دنیای حرام چونان عشوهرگر هرزه‌ای است که تسلیم نشود و مرکب سرکشی است که فرمان نبرد» [نهج‌البلاغه: ۳۷۹].

و در توصیه‌ی دیگر می‌فرماید: «لقمه‌ی حرام به شکم خود راه ندهید. شما در برابر دیدگان خداوند قرار دارید که گناهان را حرام کرد و راه اطاعت و بندگی را آسان فرمود» [همان، ص ۲۷۹-۲۷۸].

## ۲. تربیت نامناسب و بی‌توجهی به روش صحیح تعلیم و تربیت

از عوامل درونی دیگری که ضعف نفس و زبونی را در پی دارد و مانع رشد اجتماعی و عزت نفس می‌شود، تربیت ناصحیح فرزندان و نازپروردگی آنان است. متأسفانه رفتاری که بسیاری از والدین به عنوان محبت و از روی عشق و علاقه در پرورش فرزندان انجام می‌دهد، نازپروردگی آنان را در پی دارد. این روش برخورد والدین موجب می‌شود، آنان قدرت برخورد با گرفتاری‌ها و سختی‌ها را نداشته باشند و خیلی زود روحیه‌ی خود را در برابر مشکلات بیازند. به تعبیر شهید مرتضی مطهری (ره) ما (پدران و مادران) فرزندانمان را مانند کسی پرورش می‌دهیم که هرگز در همه‌ی عمر به داخل آب نرفته و شنا نیاموخته است و یکمرتبه با دریا مواجه می‌گردد؛ پس غرق می‌شود. زیرا شناوری چیزی نیست که با درس و کتاب و غیر عمل بتوان یادگرفت. بلکه هنری است که باید با عمل آموخته شود. علی (ع) می‌فرماید: «چوب درختان صحرايي و جنگلي که نوازش باغبان را ندیده‌اند، محکم‌تر است و اما درخت‌های سرسبز و شاداب که تحت مراقبت باغبان هستند، نازک‌تر و کم‌طاقت‌تر هستند. گیاهان صحرايي و وحشی نسبت به گل‌های خانگی هم قدرت اشتعال بیشتری دارند و هم آتششان دیرتر خاموش می‌شود» [بیست‌گفتار: ۱۴۶-۱۴۴].

وقتی در زندگی همه‌ی اسباب آسایش و آرامش را برای فرزندانمان آماده کنیم و اوج دوستی و محبت پدر و مادری خود را در این بدانیم که هر مشکلی را از جلوی پای عزیزانمان برداریم تا کوچک‌ترین دغدغه‌ای در زندگی نداشته باشند، به این نکته توجه



پیامبر (ص)

می‌فرماید: «یا علی! از دو خصلت بهره‌یز: تنگ حوصلگی و تنبلی که چون تنگ حوصله شوی هیچ حقی را نمی‌پذیری و چون تنبل باشی، حق هیچ چیز را ادا نمی‌کنی»

نکرده‌ایم که نونهال ما، فردا در معرض تندبادهای حوادث گوناگون قرار خواهد گرفت و اگر امروز ریشه‌اش محکم نشده باشد، قادر نخواهد بود در برابر آن بادهای تند و بی‌رحم دوام بیاورد.

انسان‌ها معمولاً از راحتی، عافیت‌طلبی و بی‌مسئولیتی راضی‌تر هستند. اما اگر بدانند مواجهه با چالش‌های زندگی، تحمل دشواری‌ها و شکیبایی در برابر ناگواری‌ها تا چه اندازه موجب رشد و تعالی فکر و اندیشه و ظهور خلاقیت و شکوفایی استعدادها و بالقوه‌شان می‌شود، در پذیرش و مواجهه‌شدن با مشکلات زندگی نه تنها کنار نمی‌کشند، بلکه خود با اشتیاق و میل درونی به استقبال دشواری‌ها می‌روند. در این چالش‌های بالنده و رشد‌دهنده، چشمه‌های مخفی وجود آدمی در تمامی ابعاد به شکوفایی و طربناکی می‌رسند و حاصل آن نوعی رضایت درونی و شادابی و نشاط معنوی است؛ چرا که مسئولیت‌پذیری نهایی است که زمینه‌اش شناخت، ریشه‌اش اعتقاد و بهارش بحران‌ها و حادثه‌ها و گرفتاری‌هاست» [راهنمای روان‌شناختی تبلیغ: ۸۲].

روشن است که انسان‌های سختی‌کشیده و با مشکلات دست و پنجه نرم کرده، قدرت بیشتری در مواجهه با شداوند دارند. شاید به همین دلیل است که خداوند هم بندگان خوب خود را با مشکلات و سختی‌ها می‌آزماید تا راه مبارزه کردن و آبدیده‌شدن را بیاموزند. این ناشی از لطف و حکمت الهی است:

هر که در این بزم مقرب‌تر است  
جام بلا بیشترش می‌دهند

(حافظ)

ولی متأسفانه ما با نازپروردگی فرزندانمان قدرت آنان را در روبه‌رو شدن با سختی‌ها، تضعیف می‌کنیم و آنان را افرادی کم‌طاقت، ضعیف و بدون اعتماد به نفس بار می‌آوریم.

یکی از علل خودپسنندی

امام باقر (ع) می‌فرماید: «بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی به فرزندان خود افراط کنند و آنان را بیش از حد مصلحت، مورد

مهر و محبت خود قرار دهند.» خودپسندی یکی از عادات مذموم و از ملکات ناپسند و موهن است و اشخاص از خود راضی، همواره مورد انزجار و تنفر مردم اند. مثلاً این خلق ناپسند، محبت‌های افراطی و تکریم بیش از حد دوران کودکی است. والدین نادان با تکریم بی حساب و محبت بیش از حد خود کودک را گمراه می‌کنند و او را در مورد خودش به اثباتیه می‌اندازند و از واقع‌بینی بازش می‌دارند. این قبیل پدران و مادران بر اثر روش نادرست خویش طفل را عنصری پر توقع و از خود راضی بار می‌آورند و بزرگ‌ترین دشمنی را با نام دوستی در حقیقت اعمال می‌کنند و او را سیاه‌روز و بدبخت می‌سازند» [بزرگ‌سال و جوان: ۱۴۲-۱۴۱].



از مهم‌ترین نتایج خودشناسی، وسعت نگاه به جهان خلقت و توجه به عالم شکر و وجود انسان و در نتیجه رسیدن به احساس عزت و بزرگی نفس است. اگر انسان به این ارزش عالی دست یابد، هرگز خود را به امور بی‌ارزش و بیست مشغول نمی‌کند و همواره به قله‌های رفیع علم و اخلاق می‌نگرد و بر آن اهتمام می‌ورزد. بنابراین به طمع منافع کم ارزش دنیوی، به گناه و اعمال دون شأن خود تن در نمی‌دهد.

مقدس توجه داشته باشیم و فرزندان خود را براساس شیوه و سیره اولیاءالله تربیت کنیم، قطعاً به حیات طیبه‌ای دست پیدا می‌کنیم که قرآن وعده داده است. ۱۲

اگر با کمی تأمل و تفکر به زندگی و اطراف خود نظر افکنیم، به آرزوهای دست‌یافتنی بیشتر توجه کنیم، برای رسیدن به هر خواسته‌ای، کارهای پیش روی خود را دسته‌بندی کنیم، راهکارهای رسیدن به هدف را درست بشناسیم و با توانمندی خود مقایسه کنیم و با حرکت و تلاش هوشمندانه به خدا توکل داشته باشیم، قطعاً به نتیجه‌ی مطلوب می‌رسیم؛ نتیجه‌ای که زندگی ساده و بی‌آلایش، کم اضطراب و توأم با آرامش را در بر دارد؛ در حالی که انسان دل به امیدهای شدنی می‌بندد. ۱۳

امام علی(ع) می‌فرماید: «هر که دل به آرزوهای دراز بندد خوب کار نکند» [الحیاه: ۳۴۵، به نقل از: نهج‌البلاغه: ۱۱۰۳]. هم‌چنین می‌فرماید: «خردها بیشتر آن‌جا به زمین خورد که طمع‌ها و آزمندی‌ها برق زند» [الحیاه: ۲۰۰، به نقل از: نهج‌البلاغه: ۱۱۸۴].

به امید کار و تلاش صادقانه و با اخلاص، مبتنی بر بینش و شناخت.

#### پی‌نوشت

۱. معرفه‌النفس انفع‌المعارف، علی(ع)، [غررالحکم: ۹۱۳ و الحیاه: ۲۵۱].
۲. مقصود امام خمینی(ره) است.
۳. نظر النفس للنفس، العنایه بصلاح النفس، علی(ع) [غررالحکم: ۹۱۳ و الحیاه: ۲۵۱].
۴. من کرمت علیه نفسه لم یهنها بالمعصیه، علی(ع) [غررالحکم: ۷۷۶].
۵. واکنارشان تا بخورند و کام جویند و آرزو سرگرمشان دارد که به زودی عاقبت این خورد و خواب و غفلت را خواهند دانست [حجر/ ۳].
۶. معاش‌الناس اتقوا الله فکم من مؤمن ما لا یبیلغه و یاب ما لا یسکنه و جامع ما سوف یتترکه و العله من باطل جمعه، من حق منعه، اصابه حراما و احتمال به اناما فبایه بوزره و قدم علی ربه أسفاً لاهفاً «قد خسرت دنیا و الآخره ذلک هو الخسران المبین»، امام علی [نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۳].
۷. «کم من الکه منتت اکالات» [نهج‌البلاغه، حکمت/ ۱۷۱].
۸. نساء/ ۱.
۹. مقام معظم رهبری در دیوار با مردم قم، ۰۸/۰۱/۹۱.
۱۰. مؤمنون/ ۵۱.
۱۱. «الذین جاهدوا فینا لتهدینهم سبلنا» [عنکبوت/ ۶۹].
۱۲. «من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مؤمن فلتحییته حیوه طیبه...» [نحل/ ۹۷].
۱۳. «ای همای! مؤمن زیرک و هوشیار است، دایم می‌کوشد و دل به امیدهای شدنی می‌بندد» امام علی(ع). الحیاه: ۳۴۵، به نقل از: اصول کافی، ج ۲/ ۲۲۶ و ۲۳۰.

#### منابع

۱. قرآن مجید.
۲. نهج‌البلاغه.
۳. غررالحکم.
۴. کلینی، شیخ محمدبن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، ترجمه‌ی سیدهاشم رسولی، انتشارات علمیه اسلامیة.
۵. حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، علی، الحیاه، ترجمه‌ی احمد آرام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. نراقی، ملاحمد، معراج‌السعاده، انتشارات جاویدان.
۷. فلسفی، محمدتقی، بزرگ‌سال و جوان (ج ۱)، هیئت نشر معارف اسلامی.
۸. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، انتشارات صدرا.
۹. کرمی، عبدالعظیم، راهبردهای روان‌شناختی تبلیغ، انتشارات ستاد اقامه نماز.
۱۰. حدیث تربیت جوان (ج ۱)، جمع‌آوری از کتاب جوان از نظر عقل و احساسات، پیام آزادی.

عقده‌ی حقارت از نتایج نازپروردگی یکی دیگر از نتایج نازپروردگی فرزندان ایجاد عقده‌ی حقارت در آن‌هاست. «کسانی که به سبب محبت‌های افراطی پدر و مادر، لوس و از خود راضی پرورش یافته‌اند، در جوانی گرفتار عقده‌ی حقارت می‌شوند و قادر نیستند به شایستگی با مردم پیامیزند و در فعالیت‌های اجتماعی با آنان سازش کنند. مک‌براید می‌گوید: عزیز دردانگی هم نشانه‌ای از عقده‌ی حقارت است و ریشه‌ی آن را در طرز تربیت غلط دوران کودکی باید جست‌وجو کرد. کودکی که خود را چشم و چراغ والدین می‌دانسته است، وقتی هم که بزرگ می‌شود و به صورت زن و مرد کامل درمی‌آید، در تمام جهات زندگی دلش می‌خواهد عزیز بی‌جهت و شمع محفل همگان باشد. چنین آدمی وقتی می‌بیند مورد توجه قرار نگرفته است، یا دست به انتحار می‌زند و یا دیگران را بدنام می‌کند. عقده‌های حقارتی که بدین صورت در مردم ظاهر می‌شود، از مصائب بزرگ اجتماع است» [بزرگ‌سال و جوان: ۱۴۰].

#### زآب خرد، ماهی خرد خیزد نهنگ آن به که با دریا ستیزد

مرحوم ملاحمد نراقی در کتاب شریف معراج‌السعاده به این مطلب چنین اشاره می‌کند: «ضعف نفس و خودکم‌بینی صفتی است که موجب عجز و ناتوانی از تحمل حوادث می‌شود و این صفت از نتایج جبن و ملازم‌دلت و خواری است. نشانه‌ی عزت و بزرگی و صلابت نفس آن است که انسان آن‌چه را از سختی‌ها بر او وارد می‌شود، تحمل کند. از امام باقر(ع) مروی است که فرمود: «خدا به مؤمن سه خصلت کرامت نموده: عزت در دنیا و آخرت، رستگاری در دنیا و آخرت، مهابت در دل ستمگران. علو همت و طبع مؤمن موجب سعی و کوشش او در تحصیل سعادت و کمال، طلب کردن کارهای بزرگ و عالی می‌شود و خداوند فرموده است: کسانی که در راه ما بکوشند، هر آینه راه‌های خویش را به ایشان بنمایانیم» ۱۱

#### نتیجه

در ناز و نعمت رشدکردن فرزندان مانع رشد خلاقیتشان می‌شود و قدرت مقاومت را در آن‌ها می‌میراند. اگر زندگی خود را براساس رهنمودهای دینی الهی برنامه‌ریزی کنیم و به عواقب نواهی الهی خوب بیندیشیم، اگر به آثار اوامر و دستورات شرع